

فضایل علی علیه السلام

رسول خدای صلوات الله علیه گفت: (زینو مجالسکم بذکر علی بن ابی طالب) بمتابعت از این حدیث شریف و بمناسبت عید سعید غدیر بر نامه امشب فرهنگ را بذکر اوصاف و مناقب مولای متقیان علی علیه السلام اختصاص میدهیم:

جان برقص آید از فضایل او همچو شاخ گل از نسیم بهار

بزرگترین امتیاز علی بن ابی طالب اینست که جان خود را در راه حمایت حق و نشر عقیده توحید و برکندن ریشه بت پرستی و استقرار اصول مقدس عدل و مساوات در جامعه نثار کرد بهترین وصف آن بزرگوار همانست که عدی بن حاتم برای معاویه بن ابی سفیان بازگفت:

كان يقول عدلا ويحكم فصلا تنفجر الحكمة من جوانبه والعلم من نواحيه يستوحش من الدنيا وزهرتها ويانس بالليل ووحشته وكان واله عزيز الدمه طويل - الفكرة يحاسب نفسه اذا خلا وقلب كفيه على ماضى يعجبه من اللباس القصير ومن - المعاش الخشن وكان فينا كاحدنا وكان يعظم اهل الدين ويتعجب الى المساكين لا يخاف القوى ظلمه ولا يباس الضعيف من عدله.

علی امام عادل باقوتی بود که کلیه اعمال و حرکات و مسکنات و اخذ و عطای او بر نهج عدل و موافق رضای خدا بود احکام الهی را بدون تبعیض حتی در باره برادر و فرزندان خود اجرا میکرد.

چشمه های حکمت و دانش از جوانب و نواحی او فرو میریخت از دنیای مذموم و بهجت آن دوری میجست این شیر بیشه شجاعت که در میدان کارزار کس را باوی یزای مقاومت نبود با ظلمت شب انس تمام داشت. شبها پهلو از بستر راحت بر- میگرفت و پیشانی تضرع بر خاک میسود و باخدای کار ساز راز و نیاز میکرد و بسان باران بهار اشک بر رخسار فرو میریخت. ساعات دراز بتفکر میپرداخت همواره در خلوت از خود حساب میکشید و برگزیده افسوس میخورد بجامعه خالقان و زندگی

سخت و درشت خوشدل بود) بدین سخن عدی بن حاتم نیک توجه کنید که در حق این
امپراطور بزرگ اسلام میگوید: «وكان فينا كاحدنا»

عجبا علی با آن جلال و عظمت و با آن پایگاه رفیع در دانش و تقوی در میان
مردم مانند یک فرد عادی میزیست از معابر و بازارها بدون هیچگونه تشریفات
و تکلفات میگذشت و چون اغلب بسبب تراکم جماعت و مشغله و غوغای معاملات، مردم
متوجه عبور مولای متقیان نمیشدند خود آن بزرگوار با کمال سادگی میگفت:
(طرقوا لامیرکم) راه دهید تا امیر شما بگذرد؛ بتاریخ بشریت نگاه کنید این مرد عدیل
و نظیر ندارد و همین سبب جهان انسانیت در برابر شکوه و سلطنت معنوی وی
سر تکریم فرو میآورد.

شهی که تخت وی آمد روان پاکدلان قبول بار خدایش چو بر سر افسر گشت
فرود پایه اوصاف اوست هر معنی که در ضمیر بیان پرور سخنور گشت
علی اهل دین را بزرگ میداشت و مساکین را می نواخت نه قوی از ظلم او ترسان
و نه ضعیف از عدل او مایوس بود. جبران خلیل یکی از دانشمندان مشهور مسیحی
و از ادبا و شعرای نامی مصر ایرانیان را بمناسبت اخلاص و مهر و رزی نسبت به آن
بزرگوار ستوده میگوید: «عرب حقیقت مقام ارجمند علی را انشناخت تا گروهی
از ایرانیان همسایگان عرب پیدا شده میانه جواهر گرانها و ربیک فرق نهادند»

بهار دل دوستدار علی همیشه پیر است از نکار علی

از امت سزای بزرگی و فخر کسی نیست جز دوستدار علی

بصدسال اگر مدح گوید کسی نگوید یکی از هزار علی

بمردی و علم و بزهده و سخا بنام بدین هر چهار علی

علی شیر تر بود لیکن نبود مگر حربکه مرغزار علی

گزین و بهین زنان جهان نبودی مگر در کنار علی

نبود اختیار علی سیم و زر که دین بود و علم اختیار علی

هنگامی که مردم با آن حضرت بخلافت بیعت کردند چنین فرمود:

(ذمه من بآنچه میگویم مدیونست که درست و راست بگویم. کسیکه تجربه های

گذشته بر او ثابت کرده که هرگونه ضعف و ذلت و پریشانی که به ملت می رسیده در نتیجه جهل و فساد اخلاق و شیوع ستم بوده است! چنین کس مراقب خواهد بود که مرتکب خطاهای گذشتگان نشود، باین جهت در هیچ امری که مورد شبهه باشد دخالت نخواهد کرد تا دچار خطا نگردد - باعث بدبختی شما مردم که اختلاف و نفاقست دوباره امروز مثل نخستین روزیکه خدا پیغمبرش را برانگیخت باز گشته است دشمنی هائی که دین آنها را از میان برد و کینه هائی که وحدت اسلامی خاموش ساخت از نوزده شده و از خواب برخاسته است قسم بخدائیکه پیغمبر را بحق برانگیخت که در نتیجه اختلاف و فساد نظام نیک و بد شما مخلوط خواهد شد و از دوستان و خوبشان خود جدا خواهید گشت و زیرو رو خواهید شد تا پائین بالا رود و بالا پائین آید، کسان ناشایسته پیش افتند و شایستگان عقب مانند من بخدا هیچ نکته نمی را کتمان نمیکنم و هیچ دروغی نمیگویم مرا بچنین مقامی و چنین روزی خبر دادند، بدانید که کارهای خطا مرکبهایست نافرمان که خطا کاران بر آنها سوارند اما مهار در دست آنها نیست آن مرکبهای سرکش ناچار سوار کان خود را با آتش میکشاند و کارهای مردم با تقوی مرکبهایست است که آن مردم بر آن مرکبها سوارند و زمام در دست آنهاست و آنها را بیبشت میرساند - حقی است و باطلی و هر يك را اهلی است اگر یاوران باطل بسیار شوند از قدیم چنین بوده و هر چند یاوران حق اندك باشند چه بسا بر اهل باطل غالب آیند اما خیلی نادر است که دولت و سعادت می که از دست مردم برود بار دیگر بر آنان روی آورد.

همان روز بعد از بیعت مردم در مدینه فرمانی صادر کرد و در آن چنین فرمود:
 (زمینهاییکه خلیفه پیش از من باشخص بخشیده و اموالیکه عطا کرده همه باید بییت المال باز گردد زیرا اینها جزو بیت المال بوده و متعلق به همه مسلمین و حق قدیم را چیزی باطل نمیکنند بخدا سوگند هر چند این اموال را مهر زنانشان کرده باشند یا با آنها کنیزان خریده باشند به بیت المال بر میگرددانم زیرا در عدالت و سعتی است که در غیر عدالت نیست کسیکه عدالت بر او تنك آید ستم تنگتر خواهد آمد)
 یگانه خطیب دینی و نویسنده اجتماعی عالم ربانی حضرت آقای راشد در جلد پنجم

سخنرانیهای خود تحت عنوان «مرد عقل و ایمان» گفتاری نغز و شیوا درباره شخصیت امیرالمؤمنین علی صلوات اله علیه نگاشته و در ذیل فرمانی که ذکر شد مینویسند از این بیان استفاده میشود که امام همینکه احساس مسئولیت میکرد دیگر هیچ قوه نمی توانست او را از انجام وظیفه بازدارد در پایان این فرمان نکته می بسیار عالی فرمود که خوبست ز ما مداران در اعمال خویش همواره آنرا در نظر داشته بکار برند: «در عدالت و سعتی است که در غیر عدالت نیست کسی که عدالت بر او تنگ آید ستم تنگتر خواهد آمد» این دو جمله را بخاطر سپارید و در آن مکرر فکر کنید «در عدالت و سعتی است که در غیر عدالت نیست» زیرا حقوق که مساوی شد و در باره همه یکسان اجرا شد و همه فهمیدند دو چشمی نگاه نمیشود بالطبع توقعات کم میشود و هر کس سر جای خود مینشیند و بحق خود قانع میگردد «و آنکه عدالت بر او تنگ آید» و از این راه در مضیقه افتد و از اداره امور عاجز شود «ستم بر او تنگ تر خواهد آمد» زیرا ز ما مدار همینکه پای تبعیض و تفاوت را در میان آورد دو دسته ناراضی خواهد داشت: یکی همانها که بدون اهلیت و استحقاق بر تریشان داده که باز توقع بیشتر دارند دیگر آنها که حقشان غصب شده است و در نتیجه از راه ستم بیشتر بزحمت و مضیقه دچار خواهند شد.

بعضی از کوته نظران در عین تکریم آن بزرگوار نسبت عدم قدرت سیاسی بوی داده اند اینان باید بدانند که البته مساحت مقدس علی از سیاست مشغوم و پلید منزله بوده و خود او فرموده است: «لولا التقی لکننت ادهی العرب» اگر تقوی مانع نمیشد من سیاسترین وزیر کترین مردم عرب بودم.

علی میفرماید: «شرف المرء بالعلم والادب» ملت ایران چگونه میتواند از دوستی او دم زند در حالی که اکثریت افراد آن در چنگال جهل و فساد اسیر است بگفته این پیشوای بزرگ مجدد و عظمت و سیادت و افتخار نصیب قوم نیست که بحلیه علم و ادب آراسته باشد و مرکز را در راه حفظ افتخارات و نوامیس ناچیز شمرد و با استقبال آن شتابد خداوند بجامعه ایرانی که مهر علی و خاندان رسالت را سرمایه افتخار خود میداند توفیق دهد که سیرت شریف این شهید راه عدل و توحید را در زندگی سر مشق قرار دهد. حافظ اگر قدم زنی در ره خاندان بصدق بدرقه رهت شود همت شحنة النجف